

تحلیل جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی^۱

محمد جعفر حبیب‌زاده^۲

چکیده

تصرف غیر قانونی در اموال دولتی یکی از جرائم علیه آسایش عمومی است که با اختلاس و خیانت در امانت دارای وجوه تشابه است. با توجه به گزارشات بازرسی‌های انجام شده در سازمانهای دولتی، تحلیل جرم مذکور و تفکیک آن از اختلاس از اهمیت فراوانی برخوردار است. جرم مذکور شامل مصادیق متعددی است که بعضی اصیل و بعضی در حکم جرم مذکور هستند. از نظر نتیجه مجرمانه هم بعضی از مصادیق آن، جرم مطلق و بعضی مقید هستند. در این مقاله تلاش بر آن است تا با تحلیل عناصر تشکیل دهنده جرم مذکور، شبهات موجود مرتفع شود.

واژگان کلیدی

تصرف غیر قانونی، وجوه و اموال دولتی، اختلاس

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۹/۱۱

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

Email:

جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یکی از جرائم علیه آسایش عمومی و در ردیف اختلاس، جعل و تزویر، قلب سکه و امثال آنها از جرائم عمومی است که تعقیب مرتکبان آن به شکایت شاکی خصوصی نیاز ندارد و مدعی العموم به هر طریقی که آگاه شود، مکلف به تعقیب متهمان در هر پست و مقامی است. اختلاس و تصرف غیرقانونی تنها توسط مستخدمان دولت یا شخص در حکم مستخدم دولت امکانپذیر است و موضوع جرم در آنها قبلاً^۱ به سبب شغل و وظیفه به مرتکب تسلیم و یا سپرده شده است. تصرف از باب تفعّل است. صرف در زبان عربی دارای معانی متعدد از قبیل تبدیل، عوض کردن، مصرف و خرج کردن و تغییر دادن است (ریگی، ۱۳۶۸: ۳۰۵). در زبان فارسی نیز به معنی به دست آوردن، در دست گرفتن، مالک شدن، دست به کاری زدن، چیزی را به میل خود تغییر دادن و نیز به معنای تغییر کاربرد آمده است^۱ (معین، ۱۳۷۱: ۱۰۹۱۰). در فرهنگهای حقوقی به معنی کنترل مادی بر اموال^۲ و به معنای برداشت وجوه و اموال دولت به طور موقت و بدون محروم کردن دائمی دولت از آن آمده است (والکر^۳، ۱۹۸۰: ۹۱۰). در تعریف حقوقی "تصرف غیرقانونی" آمده است: «تصرف غیر قانونی مترادف با تصرف عدوانی و اعم از غصب است. لکن در حقوق کیفری دو معنی دارد: در یک معنی اعم از اختلاس و سایر تصرفات غیر قانونی و عبارت از تصرف اموال دولتی بدون مجوز قانونی امنای دولت است و در معنای خاص، تصرف اموال منقول دولت توسط کسی که امین در حفاظت آنهاست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۷: ۷۳). با این وصف آشکار می شود که معنای تصرف اعم از استیلا بر مال به عنوان مالکانه و استفاده و مصرف به دلخواه است. منظور ما از تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، معنای اخیر تصرف است که در معنای عام، هرگونه مداخله غیرمجاز در مال دیگری را شامل می شود، ولی تعریف آن در معنای خاص، این گونه آمده است: «صرف کردن وجوه و اموال دولتی به غیر از مصرفی

-
1. Possession
 2. Unlawful Possession
 3. walker

که برای آن در قانون پیش بینی شده است» (راستین، ۱۳۷:۱۳۵۲). در تعریف دیگر آمده است: « مورد استفاده غیرمجاز قراردادن مال یا اوراق بهادار سپرده شده، حسب وظیفه به کارمند یا مأمور به خدمات عمومی، توسط او یا تزییع اموال مذکور به علت اهمال یا تفریط» (جویباری، ۱۳۶۶). در تعاریف یاد شده، فقط به یک نوع از رفتاری اشاره شده که طبق قانون جرم شناخته شده، است؛ لذا می توان گفت: « تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، اقدام مستخدم دولت یا شخص در حکم او به استفاده یا مصرف غیرمجاز مالی است که به سبب شغل و وظیفه به تصرف و اختیار او قرارداد شده است». در اینجا به بررسی ارکان تشکیل دهنده این ویژگی مجرمانه خواهیم پرداخت.

۱. ارکان جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی

۱-۱. رکن قانونی

اولین بار، قانونگذار، جرم اختلاس و تصرف غیرقانونی را در ماده ۱۵۲ ق.م.ع. (۱۳۰۴)، مورد حکم قرارداد؛ اما در سال ۱۳۵۵ با اصلاح موادی از قانون یادشده، ماده ۱۵۲ را به جرم اختلاس و ماده ۱۵۳ را به جرم تصرف غیرقانونی اختصاص داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲، مواد ۷۵ و ۷۶ قانون تعزیرات به ترتیب جانشین مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ ق.م.ع. شد. باتصویب قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری در سال ۱۳۷۶، قانونگذار طی ماده ۵، مجازات اختلاس را تشدید کرد و سپس در سال ۱۳۷۵ باتصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۹۸ را به جرم تصرف غیرقانونی اختصاص داد. بنابراین رکن قانونی جرم تصرف غیرقانونی، ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی است. بر اساس این ماده: «هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و هم چنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از

رسمی و غیر رسمی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد، بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب، و علاوه بر جبران خسارت وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا "۷۴" ضربه، محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد. هم چنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد». قانونگذار در این ماده که از طولانی‌ترین مواد قانون مجازات اسلامی است برای تحقق رکن مادی و معنوی این جرم شرایط ویژه‌ای را بیان کرده است که تحلیل آنها برای شناسایی دقیق بحث، بویژه برای مقامات دیوان محاسبات، مهم است.

۱-۲. رکن مادی

۱-۲-۱. رفتار مرتکب

رفتار مرتکب در هر جرمی اصولاً به صورت فعل یا ترک فعل (فعل منفی) اجرا می‌شود. در این جرم با عنایت به مصداق‌هایی که در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. بیان شده، رفتار مرتکب اعم از فعل مثبت و منفی است؛ زیرا عبارات به کار رفته در ماده یاد شده هم بر اجرای فعل دلالت دارد (مانند استفاده کردن، به مصرف رساندن، تعهد کردن) و هم به صورت ترک فعل (مانند اهمال و تفریط) قابل تحقق است. مصداق‌های رفتار مرتکب در جرم تصرف غیرقانونی به شرح ذیل است:

الف) استفاده غیرمجاز

استفاده در لغت به معنای سودجویی، بهره برداری، تحصیل و کسب دانش است (طیبیان، ۱۳۷۵:

: ۶۰۴) و در اصطلاح حقوقی، معادل تصرف انتفاعی، یعنی تصرف و بهره برداری و سودمند شدن از چیزی با بقای آن، بدون اینکه اجازه و اختیاری در این باره داده شده باشد؛ مانند استفاده مستأجر از عین مستأجره. اما با توجه به عبارت ماده ۵۹۸ ق.م.ا.: «.....در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به محکوم خواهد شد»؛ این معنای مورد نظر قانونگذار نبوده و استفاده اعم از آن است که شخص بهره‌بردار و یا دیگری بهره‌ور بشود و یا انتفاعی در کار نباشد. حال اگر یکی از کارکنان دولت و مأموران به خدمات عمومی، اموال یا وجوه و یا وسایل تحصیل مال متعلق به یکی از دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. را، که حسب وظیفه در اختیار دارد، بدون مجوز مورد استفاده قرار دهد و یا در غیر مورد نظر قانونگذار به کاربرد ولو هیچ‌کس بهره‌ور نشود، مرتکب این جرم شده است؛ به عنوان مثال اگر صندوقدار بانک بدون دستور مقام ذی‌صلاح، مقداری از وجوه صندوق را به عنوان مساعده در وجه یکی از کارکنان بپردازد تا در آخر ماه از حقوق وی کسر کند یا اگر کارمندی، وجوه دولتی و عمومی در اختیار خویش را در تجارت به کار گیرد یا آن را به عنوان ودیعه مسکن احدی از کارکنان بسپارد تا بعد از انقضای قرارداد آن را برگرداند و به حساب دولت واریز کند، عملش جرم به‌شمار می‌رود. هم‌چنین اگر اموال یکی از دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. در غیر مواردی که قانونگذار مجاز دانسته است، مورد استفاده قرار گیرد، اقدام مرتکب از مصداق‌های استفاده غیرمجاز است؛ مثلاً اگر ماشین نویس یکی از دستگاه‌های مورد اشاره با ماشین تحریری که در اختیار دارد کارهای شخصی خود یا دیگری را انجام دهد، عملش مشمول همین ماده خواهد بود.

ب) مصرف وجوه در غیر محل قانونی

مصرف در لغت به معنای صرف کردن و خرج کردن آمده و اصطلاحاً در مقابل تولید به کار می‌رود و به معنای به کار بردن اشیا در هدف تولید است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۶۵۶). در اینجا منظور از مصرف، هزینه و پرداخت وجوه دولتی مربوط به هر یک از دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده ۵۹۸

ق.م.ا. است. اعتبارات دستگاه‌های اجرایی همه ساله در قانون بودجه پیش‌بینی و محل مصرف آنها دقیقاً مشخص می‌شود به گونه‌ای که بودجه هر سال از حیث درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار با هزینه‌ها و سایر پرداختها توازن داشته باشد تا کشور از مصائب ناشی از کسری بودجه در امان بماند. این امر مستلزم آن است که قانونگذار صریحاً محل کسب درآمد و نیز محل هزینه‌ها را مشخص کند. بنابراین پرداخت و هزینه در محلی که در قانون مطلقاً ممنوع شده، مصادق مصرف در محلی است که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده است. بر همین اساس، یکی از هیئتهای مستشاری دیوان محاسبات کشور، اقدام مسئولان یکی از دانشگاهها را در پرداخت مبلغ ۱۴۰۷۰۰۰ ریال بابت شش فقره آگهی تسلیت و تشکر از محل اعتبارات از مصادیق مصرف در غیر محل قانونی تلقی کرده و پرونده را برای اتخاذ تصمیم قضایی به مراجع دادگستری ارجاع داده است (رای شماره ۶۷۳۷۶ - ۷۶/۱۰/۱۸ هیئت دوم مستشاری دیوان محاسبات کشور). براساس نظرهیئت مزبور: «... با توجه به نص صریح قانون ممنوع بودن وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیرضرور مصوب ۱۳۶۵ و بند (ل) تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۷۶، اقدام مسئولان دانشگاه از مصادیق مصرف در محل فاقد اعتبار قانونی محسوب می‌شود».

ج) مصرف وجوه در غیر مورد معین

قانونگذار به طور معمول، محل مصرف وجوه را تعیین می‌کند بدین صورت که طبق تبصره‌های قانون بودجه، اعتباری را به منظور مصرف در محل خاص تصویب می‌کند و در مورد اعتبارات خارج از شمول اختیارات، تعیین جهت مصرف در محل آن را به سازمان برنامه و بودجه واگذار می‌کند. این سازمان بنا به تقاضای دستگاه اجرایی، اجازه مصرف اعتبارات مورد بحث را در محل‌های تعیین شده در موافقتنامه می‌دهد. محل‌های تعیین شده باید در راستای طرح یا وظایف دستگاه اجرایی تقاضاکننده باشد.

جابه‌جایی اعتبارات از محلی به محل دیگر بدون مجوز قانونی از مصداقهای تصرف در وجوه دولتی و عمومی است.

د) تعهد زاید بر اعتبار

تعهد در لغت به معنی کاری را برعهده گرفتن و عهده دار شدن امری است (عمید، ۱۳۶۱ : ۳۹۸). در اصطلاح، یک رابطه حقوقی است که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضای عقد یا شبه عقد، جرم یا شبه جرم و یا به حکم قانون، ملزم به دادن چیزی یا مکلف به قبل یا ترک قبل به نفع شخص یا اشخاص معین می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲ : ۶۶). اگر تعهد توسط مضمولان دستگاه‌های اجرایی مذکور در م ۵۹۸ ق.م.ا انجام شود، ایجاد دین بر ذمه دولت می‌کند. به این دلیل، قانونگذار سقف جواز اعتبارات دستگاه‌های اجرایی را در هر مورد خاص تعیین می‌کند تا متولیان در انعقاد قرارداد به طرفیت دولت، سقفهای تعیین شده را رعایت کنند و اگر در اجرای طرح عمرانی با اعتبار و مشخصات کمی و کیفی تعیین شده، سقف مجاز را رعایت نکنند و به لحاظ اجرای طرح با کمیت و کیفیت بهتر، بیش از مبلغ تخصیص به پیمانکار بپردازند یا در انعقاد قرارداد پیمانکاری تعهد به پرداخت مبلغی بیش از اعتبار مصوب برای کار بیشتر یا ارائه خدمات بهتر بکنند، مرتکب این جرم شده‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که هر تعهدی توسط مأموران، به نیابت از سوی دولت، موجب ایجاد دین بر ذمه دولت می‌شود و دولت به اجرای موضوع تعهد مکلف است؛ مگر اینکه با موافقت و رضایت متعهدله ترتیب دیگری اتخاذ شود. ماده ۹۲ قانون محاسبات عمومی کشور در این خصوص مقرر می‌دارد: «در مواردی که بر اثر تعهد زاید بر اعتبار یا عدم رعایت مقررات این قانون خدمتی انجام شود یا مالی به تصرف دولت درآید، دستگاه اجرایی ذی‌ربط به رد معامله مربوط مکلف است. در صورتی که رد عین آن میسر نباشد یا فروشنده از قبول خودداری ورزد و هم چنین در مورد خدمات انجام شده، مکلف به

قبول تعهد است و وجه مورد معامله در حدود اعتبارات موجود یا اعتبارات سال بعد دستگاه اجرایی مربوط قابل پرداخت است». بنابر این خودداری دولت از قبول موضوع تعهد به استناد عدم رعایت سقف مجاز از سوی مأموران مسموع نیست. متعهدله با حسن نیت نیز مخیر است که قرار داد منعقد را فسخ، و یا دولت را به اجرای تعهد خویش الزام کند. البته به موجب قسمت اخیر ماده ۹۲ ق.م.ع.ک. تکلیف دولت به اجرای موضوع تعهد، مانع تعقیب قانونی متخلف نخواهد بود. با توجه به اینکه در برابر تعهد اجرای گرفته، کالا یا خدمتی عاید دولت شده و الزام دولت به انجام تعهد به صورت رد عین یا پرداخت وجه خدمات انجام شده صورت می‌گیرد، لذا در اثر تعهد زاید بر اعتبار، ضرر مالی متوجه دولت نشده است تا از سبب آن قابل مطالبه باشد.

ه) اهمال یا تفریط منجر به تضییع مال

اهمال در لغت به معنی فرو گذاشتن، واگذاشتن، درباره کاری یا چیزی سستی و تنبلی کردن و سهل انگاری کردن آمده و تفریط به معنی کوتاهی کردن در کاری، ضایع کردن و تلف کردن (عمید، ۱۳۶۱: ۴۰۱ و ۲۱۱) و اصطلاحاً ترک عملی است که به موجب قرارداد یا قانون یا متعارف، اجرای آن برای حفظ مال غیر لازم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۷۰). اهمال درمتون قانونی تعریف نشده، ولی با توجه به ریشه لغوی آن با تفریط مترادف است و هر دو از مصداقهای ترک فعل به شمار می‌رود. قصور و کوتاهی در حفظ و حراست اموال توسط مستخدمان و کارکنان دولت، غیرقابل اغماض است. از این روقانونگذار این رفتار را که بیشتر جنبه سلبی و ترک فعل دارد، چنانچه به تضییع اموال دولت منجر شود، به مثابه تصرف غیرقانونی تلقی می‌کند و برای اینکه جرمی غیر عمدی است، مجازات جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی برای آن در نظر گرفته است. تضییع مال در اینجا معنا و مفهوم وسیعی دارد که ربودن مال، وارد آمدن عیب و نقص به مال در اثر حوادث و پیامدهای غیرمنتظره - به شرط اینکه قابل انتساب به ترک فعل مستخدم باشد و فعلی را که ترک کرده از تکالیف و وظایف اداری او در ارتباط با آن مال باشد - را شامل

می شود؛ به عنوان مثال، اگر در اثر عدم بررسی لازم توسط انباردار اداره قند و شکر در مورد امکان نفوذ آب باران در انبار، آب به داخل انبار نفوذ کند و تمام یا قسمتی از کالای موجود از حیز انتفاع خارج شود، انباردار مرتکب اهمال و تفریط منجر به تضییع وجوه دولتی و عمومی شده است و به عنوان متصرف غیرقانونی تحت تعقیب قرار می گیرد. هم چنین صندوقداری که وجوه یا اسناد و اوراق بهادار متعلق به دولت را در محل مناسبی، مثل گاوصندوق، نگهداری نکند و در نتیجه آنها به سرقت روند با همین عنوان قابل تعقیب است.

بین اهمال و تفریط مأموردولت و تضییع مال یا وجه متعلق به دولت، رابطه سببیت باید باشد به گونه ای که بتوان تضییع اموال و وجوه را نتیجه مستقیم اهمال و تفریط دانست. بنابراین، اگر متصدی کارگزینی یک دستگاه دولتی با جهل به جعلی بودن مدرک تحصیلی مراجعه کننده و بدون استعلام از محل تحصیل، وی را استخدام کند و در نتیجه این فرد به اعتبار مدرک مجعول از حقوق و مزایای بیش از استحقاق خود برخوردار شود، نمی توان متصدی کارگزینی را به عنوان اهمال و تفریط منجر به تضییع اموال و وجوه، مسئول دانست؛ زیرا تضییع اموال نتیجه مستقیم اهمال و تفریط وی نبوده است. هر چند مسئولیت او از نظر کوتاهی در اجرای وظیفه قانونی مبنی بر استعلام از مرجع صادر کننده مدرک برای احراز اعتبار آن پابرجا است.

۲-۱. موضوع جرم

با توجه به مصداقهای یاد شده مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا موضوع جرم تصرف غیر قانونی شامل مطلق اموال و وسایل تحصیل آن از قبیل وجوه، سهام و اوراق بهادار می شود. بنابر این با توجه به اینکه از ویژگیهای اصلی مال، امکان تقویم و داشتن ارزش مالی و معاوضه ای است، موضوع این جرم باید دارای چنین ویژگی باشد. به این ترتیب اسناد فاقد ارزش مالی و معاوضه ای از شمول موضوع این جرم خارج است؛ هر چند ممکن است تصرف در آنها مشمول سایر عناوین کیفری باشد. (ماده ۶۰۴ ق.م.ا). معدوم کردن و اخفای اسناد و نوشتجات یا ارائه آنها به اشخاص فاقد صلاحیت راجرم می داند. تسری

این جرم به اشیای فاقد جنبه و خصوصیت مالی منطقی نیست؛ زیرا این امر مستلزم تفسیر موسع از قانون کیفری است که در بطلان و ممنوع بودن آن تردیدی نیست؛ اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا مطلق مال، اعم از مال منقول یا غیرمنقول مادی یا معنوی می‌تواند موضوع این جرم قرار گیرد؟ از نظر حقوق کیفری، ملاک تشخیص موضوع جرم، امکان تحقق و وقوع رفتار مجرمانه بر آن است؛ مثلاً در جرم قتل که رفتار مجرمانه آن ازهاق نفس است، فقط انسان زنده می‌تواند موضوع آن واقع شود یا در جرم سرقت که رفتار مجرمانه آن ربودن مال غیراست، فقط اموالی که امکان ربودن داشته باشد می‌تواند، موضوع این جرم قرار گیرد (حبیب زاده، ۱۳۷۳: ۱۳). به نظر می‌رسد جرم تصرف غیر قانونی که رفتار مجرمانه آن به صورتهای مختلف از جمله استفاده و استعمال، مصرف و اهمال و تفریط منجر به تضییع مال، متجلی می‌گردد، نسبت به هر مالی اعم از منقول و غیرمنقول قابل ارتکاب است و اطلاق لفظ "اموال"، مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا نیز مؤید این نظر است. البته تمسک به اطلاق یاد شده در جرم اختلاس - که خیانت در امانت در اموال دولتی توسط کارمند است - محل تأمل است؛ هم چنانکه اداره حقوقی قوه قضاییه بر این نظر تاکید کرده است (غلامرضاشهری و...، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۲)؛ لذا موضوع جرم اختلاس عین مال است. اما وجوه، مطالبات، سهام و اوراق بهادار مصداق مال منقول است و می‌تواند موضوع هر دو جرم قرار گیرد. منظور از وجوه نیز تمام مسکوکات رایج داخلی و خارجی و نیز پولهای کاغذی است. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.م.ع.ک، اسناد و اوراق بهادار نیز در حکم وجوه است؛ زیرا اینها نیز به مثابه وجه نقد، وسیله تحصیل مال و دارای ارزش مالی و مبادله‌ای است. با عنایت به لزوم ارزش مالی داشتن موضوع این جرم، هر سندی اعم از عادی، رسمی، دولتی، غیردولتی، تجاری، غیرتجاری و غیره که دارای این ویژگی باشد، می‌تواند موضوع جرم مورد بحث قرار گیرد. لذا اسناد نظامی و نقشه‌های جنگی و هم چنین اسناد مربوط به روابط سیاسی از شمول موضوع این جرم خارج است.

الف) تعلق مال یا وجوه به دولت یا عموم

شرط مذکور از مشترکات جرم تصرف غیرقانونی واحتلاس است. منظور از تعلق مال یا وجه به دولت، وجود هر نوع حقی برای دولت نسبت به مال یا وجه است وتعلق اعم است از حق مالکیت، حق تصرف و هر نوع حقوقی که قابل تصور باشد. آنچه برای تحقق این جرم لازم است تعلق مال یا وجه به دولت یا هر یک از دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. است؛ هر چند مالک آن اشخاص خصوصی باشند. شرط مذکور منافاتی ندارد که مال به اشخاص تعلق داشته باشد. لذا تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.م.ع.ک. در این خصوص مقرر می‌دارد: «دخل وتصرف غیرمجاز در وجوهی نظیر سپرده، وجه الضمان و مانند آنها که به طور موقت در اختیار دولت یا عموم و یا سایر دستگاه‌های مذکور در ماده فوق است، جرم، و از مصادیق تصرف غیرقانونی است».

ب) سپرده شدن اموال یا وجوه به مأمور دولت

نتیجه رابطه استخدامی، رعایت اصل امانتداری نسبت به اموال و وجوه سپرده شده به کارمند یا مأمور دولت یا نهادهای عمومی است و بر اساس این رابطه، وی موظف است اموال و وجوه سپرده شده را در راستای وظیفه قانونی خویش به کار گیرد. جرم تصرف غیر قانونی واحتلاس در صورتی قابل تحقق است که مال یا وجه متعلق به دولت قبلاً" به کارمند یا مأمور تسلیم و یا سپرده شود و در اختیار او قرار گیرد. بنابراین اگر این افراد باروشهای دیگری، وجوه یا اموال را تحصیل کنند - مثلاً آنها را بر بایند یا از طریق توسل به وسایل متقلبانه به دست آورند- عملشان جرم تصرف غیر قانونی واحتلاس نیست ومشمول عنوان سرقت ویا کلاهبرداری می تواند باشد. در رأی شماره ۴۹-۱۳۲۴/۱/۲۵ شعبه ۲ دیوان عالی کشور آمده است: «به موجب قانون از انبارداران، امنای صندوق و تحصیلداران، کفیل یا ضامن اخذ می‌شود. حال اگر تحصیلداری تعیین شود ولی قبل از جلسه تحویل و تحول، تصرفات غیر قانونی در اموال و وجوه دولتی بکند به دلیل اینکه هنوز اموال و وجوه قانوناً در اختیار او قرار نگرفته است،

عملش از مصادیق جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب نمی‌شود و ممکن است با سرقت تطبیق نماید».

تسلیم مال یعنی قراردادن آن تحت تصرف دیگری؛ لذا تسلیم، رفتاری ارادی است که موجب قطع تصرف یک شخص و پیدایش تصرف برای دیگری می‌شود. در هر دو جرم تسلیم اعم از تسلیم واقعی (مادی)، تسلیم حکمی (اعتباری) است؛ مثلاً "وقتی کلید انبار تحویل انباردار می‌شود به منزله این است که تمام محتویات انبار تحویل او شده است. تسلیم باید اولاً" موجب استیلا یا کارمند-ونه مالکیت- بر مال دولت شود. ثانیاً" به صورت صحیح و در چارچوب مقررات واقع شود و گرنه واجد آثار حقوقی مورد نظر نیست. ثالثاً تسلیم مال و پیدایش تصرف برای مستخدم باید به سبب شغل و وظیفه باشد و نوعی رابطه سببیت برقرار شود.

۳-۲-۱. وسیله مجرمانه

جرایم از نظر وسیله مورد استفاده توسط مرتکب جرم و تأثیری که این وسیله بر جرم مورد نظر خواهد گذارد به سه دسته قابل تفکیک است. در دسته اول به کار بردن آلت و ابزار خاصی برای تحقق جرم لازم نیست و نقشی در سرنوشت جرم، مجرم و مسئولیت کیفری او ایفا نمی‌کند. اغلب جرایم موجود در مجموعه‌های قوانین کیفری از این نوع است. در دسته دوم، وسیله مجرمانه آن قدر بی‌اهمیت نیست که در جرم ارتكابی هیچ تأثیری نداشته باشد و نیز آن قدر حائز اهمیت نیست که در صورت نبودن آن، جرمی واقع نشود؛ بلکه تأثیر آن در حد تشدید ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده برای مرتکب است. از این نوع جرایم می‌توان به جرایم موضوع مواد ۶۹۱، ۶۹۴ و ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. دسته دیگری از جرایم هست که دخالت وسیله مجرمانه خاص در جریان تکوین و تحقق فعل مجرمانه به قدری حائز اهمیت است که در صورت نبودن وسیله مورد نظر مقنن، جرم مورد نظر محقق نمی‌شود؛ به عنوان مثال، وسیله مورد استفاده کلاهبردار الزاماً باید متقلبانه باشد. در غیر این صورت نمی‌توان وی را به مجازات جرم کلاهبرداری محکوم کرد. جرم نشر اکاذیب نیز الزاماً باید به

وسیله «نامه، شکوائیه، مراسلات، عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی» صورت پذیرد و سرانجام برای تحقق جرم محاربه به کار بردن اسلحه شرط ضروری است. باتوجه به آنچه گفته شد در جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی که رفتار مجرمانه آن، استفاده، مصرف، تعهد و یا اهمال و تفریط است، وسیله در تحقق جرم و میزان مجازات هیچ تأثیری ندارد.

۴-۲-۱. وصف و ویژگی مرتکب

به طور کلی اوصاف و ویژگیهای افراد در مسئولیت کیفری آنان تأثیری ندارد و به موجب اصل تساوی مجازاتها همه افراد به طور مساوی در مقابل قانون مسئولند و در صورت ارتکاب جرم، مجازات می شوند. در بیشتر جرایم مندرج در قوانین کیفری، شخصیت مرتکب در ماهیت جرم تأثیری ندارد و جرم از سوی هر کسی قابل ارتکاب است؛ اما در پاره‌ای از موارد، قانونگذار بعضی از جرائم را برای افراد خاص یش بینی کرده است. در جرم تصرف غیرقانونی و اختلاس، که از جرایم مأموران دولت نسبت به دولت است، فقط افرادی که کارمند یا مأمور دولت هستند با دارا بودن دو شرط، یعنی امین دولت و موظف بودن، می‌توانند به عنوان مرتکب این جرائم تلقی شوند. این شرط ممیز جرائم مذکور از خیانت در امانت است. در ماده ۵۹۸ ق.م.ا، افرادی که می‌توانند مشمول این جرم شوند، بدین ترتیب بر شمرده شده است: «.....کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و هم چنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی». با توجه به محدودیت حجم مقاله با پرهیز از تعریف و توصیف عناوین یاد شده، به ذکر این نکته بسنده شود که منظور از مستخدمان رسمی آن دسته از مستخدمانی هستند که مراحل آزمون، گزینش و مصاحبه را گذرانده و طبق حکم و دستور کتبی مقام صلاحیتدار در وزارتخانه‌ها، شرکتها و مؤسسات دولتی در حدود قوانین و مقررات مربوط در یکی از پستهای سازمانی دستگاه‌های مذکور

اشتغال دارند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۴۸: ۱۸۷). مستخدمان غیر رسمی نیز ممکن است به موجب قرارداد و به طور موقت برای مدت معین و کار مشخص استخدام شوند (مستخدم پیمانی) و یا اینکه به صورت خرید خدمت باشند که حق فسخ قرارداد برای استخدام کننده باقی است. همین طور ممکن است به صورت حق الزحمه ساعتی یا مشاوره‌ای و یا روزمزد انجام شود (همان : ۱۷۲).

۵-۲-۱. نتیجه مجرمانه

جرائم تصرف غیرقانونی و اختلاس از جرائم مقید است و تحقق نتیجه مجرمانه در آنها ضروری است؛ اما نتیجه مجرمانه در هر یک از مصداقهای رفتار مجرمانه جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، متفاوت است به این صورت که در استفاده غیرمجاز، نتیجه مجرمانه، انتفاع شخص متصرف یا دیگری از اموال و وجوه عمومی و دولتی است؛ و یعنی لازم است اموال و وجوه با بقای آن مورد بهره برداری قرار گیرد تا جرم منظور واقع شود. در شق مصرف وجوه در محلهای فاقد اعتبار و غیر مورد معین، نتیجه مجرمانه خرج و هزینه کردن است؛ یعنی از بین رفتن عین وجوه و هزینه کردن آن به شکلی که دیگر قابل برگشت به حالت اولیه نباشد. در تعهد زاید بر اعتبار باید دینی بر ذمه دولت ایجاد شود به گونه‌ای که هیچ گونه حق الغای این تعهد و بری کردن ذمه دولت در برابر متعهدله جز با موضوع تعهد امکانپذیر نباشد. بنابر این انعقاد قراردادهای خیار و منوط کردن اجرای آنها به تأمین اعتبار از محل قانونی خود، ایجاد تعهد به شمار نمی‌رود. در اهمال و تفریط باید تزییع یعنی تلف و تباه کردن وجوه دولتی، اتفاق بیفتد. به طور کلی، نتیجه مجرمانه جرم تصرف غیرقانونی، همواره اضرار مالی دولت و دستگاه‌های مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا نیست، بلکه حسب نوع رفتار مجرمانه، نتیجه، استفاده یا تصرف انتفاعی، خرج و هزینه کردن، جابه‌جایی اعتبارات، ایجاد دین بر ذمه دولت، تزییع اموال و وجوه دولتی است.

۳-۱) رکن معنوی

برای تحقق رکن معنوی جرائم عمدی، وجود دو عنصر ضرورت دارد: اول اراده ارتکاب و دوم قصد مجرمانه. سوءنیت عام یعنی اراده خود آگاه ارتکاب عمل مجرمانه برای تحقق تمام جرایم عمدی لازم است، ولی کافی نیست. در برخی از جرایم علاوه بر سوءنیت عام لازم است سوءنیت خاص یعنی قصد تحقق نتیجه مجرمانه نیز باشد. در خصوص جرم مورد بحث، این نکته لازم به یادآوری است که باتوجه به استفاده از واژه‌های «اهمال و تفریط»، در ماده ۵۹۸ ق.م.ا.، جرم مذکور، ماهیتی دوگانه دارد؛ یعنی نوع رفتار مجرمانه حاکی از آن است که جرم مذکور اعم از عمدی و غیرعمدی است و از این لحاظ با جرم اختلاس که عمدی است، متفاوت است. رکن معنوی این جرم در هر یک از مصداقهای رفتار مجرمانه به طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱-۱. رکن معنوی در حالت استفاده و مصرف غیر مجاز و جابجایی اعتبارات و تعهد زاید بر اعتبار

در این مصداق، که از نوع جرائم مطلق است، سوءنیت عام (قصد استفاده یا مصرف اموال دولتی، قصد جابجایی اعتبارات و انجام دادن هزینه قطعی وجوه و یا قصد پرداخت آن در محلی که در قانون پیش‌بینی نشده است، قصد ایجاد تعهد زاید بر اعتبار) کافی است و خواه مرتکب سوءنیت خاص (قصد ضرر رساندن به دولت) داشته یا نداشته باشد و یا حتی قصد نفع رساندن به دولت داشته باشد در صورتی که اموال و وجوه دولتی را برخلاف اختیاراتی که به او داده شده است مورد استفاده یا مصرف قرار دهد و یا اعتبارات را جابجا کند و یا تعهدی زاید بر اعتبار ایجاد کند، اقدام او تصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب می‌شود. به علاوه، مرتکب باید به تعلق مال یا وجه به دولت یا یکی از دستگاه‌های مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. و محدودیت اختیاراتش در مورد روش استفاده و مصرف آن، آگاه باشد (علم موضوعی). بنابراین اگر رئیس یک شرکت دولتی، اتومبیل متعلق به دولت را به منظور مأموریت اداری در اختیار یکی از کارکنان مؤسسه قرارداد دهد و کارمند به تصور تعلق خودرو به شخص رئیس، آن را مورد استفاده شخصی قرار دهد با فرض اثبات این تصور، کارمند را نمی‌توان به عنوان تصرف غیرقانونی در اموال دولتی

تعقیب کرد. هم چنین اگر قانون بودجه برای چاپ و تکثیر آگهی تسلیت و تبریک، اعتباری در نظر گرفته باشد و یکی از مسئولان مجاز در تشخیص، تسجیل، تطبیق و هزینه اعتبارات دولتی به مصرف وجوهی برای این امر اقدام کند، لازم است با تنظیم سند هزینه و صدور چک، قصد پرداخت وجه دولتی بابت هزینه چاپ آگهی تسلیت یا تبریک را نیز داشته باشد و به منع قانونی پرداخت و مصرف اعتبار برای آگهی تسلیت نیز عالم باشد.

در مورد تعهد زاید بر اعتبار، مرتکب باید علاوه بر قصد انعقاد قرارداد تعهد آور برای دولت (سوءنیت عام)، قصد ایجاد دین بر ذمه دولت، یعنی الزام دولت به ایفای تعهد (سوءنیت خاص) را نیز داشته باشد. علم مرتکب به زاید بودن دین ناشی از تعهد نسبت به اعتبارات پیش‌بینی شده در قانون نیز لازم است؛ به عنوان مثال، اگر اعتبار پیش‌بینی شده در قانون به منظور ایجاد فضای سبز مبلغ یک میلیارد ریال برای بیست هکتار باشد، اما مجری طرح با علم به مبلغ و متراژ مذکور در قانون، قرارداد برای چهل هکتار فضای سبز منعقد کند، چون موجب ایجاد تعهدی معادل دو میلیارد ریال برای دولت می‌شود به اتهام تصرف غیرقانونی در اموال دولتی قابل تعقیب است.

۲-۳-۱. رکن معنوی در اهمال و تفریط منجر به تلف شدن اموال دولتی

چنانکه پیشتر اشاره شد، اهمال و تفریط از مصداقهای خطاست؛ در نتیجه این مصداق از جرم مذکور غیر عمدی است. رکن معنوی در این نوع، اراده به انضمام خطای کیفری است. بنابراین نیازی به سوءنیت خاص یا علم مرتکب نیست، بلکه با احراز وقوع اهمال و تفریط از ناحیه کارمند دولت یا یکی از افراد مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا.، جرم تصرف غیر قانونی به وقوع می‌پیوندد.

۱-۴. ضمانت اجرا

۱-۴-۱. مجازات

مجازات اصلی جرم تصرف غیرقانونی با توجه به انتفاع متصرف یا عدم آن، ممکن است ساده یا مشدد باشد. در حالت ساده، چنانچه مرتکب از رفتار مجرمانه خویش هیچ گونه نفعی نبرده باشد، مجازات اصلی او شلاق تا ۷۴ ضربه است و در صورتی که متصرف غیرقانونی از اموال و وجوه مورد بحث بهره‌مند شود، مجازات وی علاوه بر ۷۴ ضربه شلاق، جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی است. در مورد مجازات تبعی مرتکب این جرم نیز باید به بند ۲ ماده ۱۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت اشاره کرد که مرتکب این جرم را از مدیریت شرکتهای سهامی محروم کرده است و در خصوص مجازات تکمیلی یا تتمیمی نیز عمومات ماده ۱۹ ق.م.ا در خصوص جرایم عمومی تعزیری و بازدارنده، شامل جرم تصرف غیرقانونی می‌شود.

۱-۴-۲. مسئولیت مدنی

همان‌طور که گفته شد، جرم تصرف غیرقانونی علاوه بر اخلال در نظم اقتصادی و مالی جامعه، ممکن است موجب ورود ضرر مالی و خسارت به دولت یا نهادهای مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا. گردد. بدین دلیل، قانونگذار جبران خسارات وارد شده یا پرداخت اجرت‌المثل از سوی مرتکب را نیز در همین ماده پیش‌بینی کرده است. به‌طور کلی ملاک و معیار تشخیص ورود ضرر و زیان به دولت یا دستگاه‌های مورد اشاره، خروج وجوه و اموال متعلق به دولت و عموم از تصرف ایشان، استفاده و بهره‌برداری غیرمجاز از آنها یا تضرع و اتلاف آنهاست. جبران ضرر و زیان ممکن است از طریق برگرداندن وضع به صورت پیشین، اعاده عین یا مثل مال یا وجه به صندوق دولت و یا از بین بردن منبع ضرر و پرداخت اجرت‌المثل صورت گیرد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۳۲۴).

۲. نتیجه گیری

از بررسی جرم تصرف غیرقانونی در حقوق کیفری ایران نتایج ذیل به دست می آید:

الف) قانونگذار تعریف صریحی از این جرم ارائه نکرده و به ذکر مصداقهای آن یعنی استفاده، مصرف، تعهد زاید بر اعتبار و هم چنین اهمال و تفریط منجر به تضییع اموال دولتی، اکتفا کرده است.

ب) هدف اولیه قانونگذار از پیش بینی چنین جرمی در مجموعه قوانین کیفری ایران، حفظ نظم اقتصادی و رعایت برنامه های مالی و مدیریتی در این عرصه و هدف ثانویه اش جلوگیری از ایراد ضرر مالی به دولت است. بدین دلیل ورود ضرر به دولت و یا بهره مند شدن مرتکب از شرایط تحقق این جرم نیست؛ اما ممکن است سبب ضمان مالی و تشدید مجازات وی شود.

ج) رفتار مرتکب در این جرم ممکن است به صورت فعل مثبت یا ترک فعل متجلی گردد. هم چنین ارتکاب آن به هردو صورت عمدی یا غیرعمدی (حسب شیوه ارتکاب رفتار مجرمانه) قابل تصور است.

د) جرم مذکور از مصداقهای تعدی مأموران دولت علیه دولت است؛ لذا بزه دیده آن دولت و عموم است، گرچه در نتیجه آن اشخاص خصوصی نیز متضرر گردند. با این وصف و با توجه به ماده ۷۲۷ ق.م.ا، جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی از جرایم عمومی و غیر قابل گذشت به شمار می رود.

ه) تمامی اموال اعم از منقول و غیرمنقول و وسایل تحصیل آن و به طور کلی هر چیزی که دارای ارزش مالی و معاوضه ای باشد به شرط تعلق آن به دولت و عموم می تواند موضوع این جرم واقع شود. منظور از تعلق به دولت و عموم، ذی مدخل بودن دولت و عموم اعم از مالکیت، تصرف و ذی نفع بودن است. بنابراین ممکن است مالک یا متصرف اشخاص غیردولتی باشند، اما دولت یا عموم به گونه ای در آن ذی نفع باشند.

و) وسیله مجرمانه در تحقق این جرم و یا تشدید مجازات مرتکب بی تأثیر است، لکن شخصیت مرتکب در وقوع جرم اهمیت دارد. به این صورت که مرتکب باید یکی از افراد مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا باشد.

ز) این جرم از جرایم مطلق به شمار می رود.

ح) از نظر رکن روانی، جرم مورد بحث ماهیتی دوگانه دارد؛ یعنی عمدی و غیرعمدی بودن آن با توجه به نوع رفتار مجرمانه مشخص می شود.

منابع و مأخذ فارسی

۱. بندر ریگی، محمد، فرهنگ عربی به فارسی منجد الطلاب، انتشارات اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۸.
۲. جر،خلیل، فرهنگ عربی به فارسی لاروس، ج ۱، ترجمه سید حمید طبیبیان، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق،تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۳۷). دایره المعارف حقوقی، ج ۱، تهران: انتشارات مشعل آزادی، چ اول.
۵. جویباری، عباس(۱۳۶۶). بررسی بزه خیانت درامانت، اختلاس و تصرف غیر قانونی،پایان نامه کارشناسی ارشد،دانشگاه تهران.
۶. حبیب زاده، محمد جعفر(۱۳۸۳). حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات سمت.
۷. حبیب زاده، عباس منصورآبادی(۱۳۷۹). بررسی تطبیقی و تصرف غیرقانونی درحقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی،دوره ۴،ش ۲،تابستان.
۸. راستین،منصور(۱۳۵۲). مقررات کیفری دراموردولتی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. صانعی، پرویز(۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. طباطبایی مومنی، منوچهر(۱۳۴۸). حقوق اداری، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. عمید، حسن(۱۳۶۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر
۱۲. کاتوزیان، ناصر(۱۳۶۹). حقوق مدنی(ضمان قمری-مشولیت مدنی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. گلدوزیان، ایرج(۱۳۶۸). حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴۴. معین، محمد(۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر.

منابع و مأخذ انگلیسی

1. David .m. walker, the oxford Companion to Law, Oxford university, press
New York, 1980.

